

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۲

تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها

امیر قدسی^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی و پژوهشگر دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

چکیده

از جمله مناطق حیاتی و مؤثر در معادلات ژئوپلیتیک جهانی، منطقه خاورمیانه است. خاورمیانه را مرکز دنیای قدیم می‌دانند، مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس، به منزله «هارتلند» جهانی قرار دارد.

تحولات خاورمیانه و خیزش جریان اسلام‌گرایی در منطقه، یک چالش معنایی را موجب شده که اگر آن را با آسیب‌دیدگی نظم سیاسی منطقه‌ای و جهانی و قدرت‌های بزرگ نوظهور در کنار هم قرار دهیم، ابعاد بیشتری از تحولات آشکار می‌شود. مهم‌ترین و عمیق‌ترین بحران‌های سیاسی جهان معاصر در این منطقه رقم می‌خورد و چالش‌های مهم ژئوپلیتیکی از عوامل شکل‌دهنده، تشدیدکننده و تداوم‌گر بحران در این حوزه جغرافیایی است. چشم‌انداز موجود از خیزش‌های مردمی، بیانگر آغاز تحولات و لرزش‌های ژئوپلیتیکی گسترده در فضای خاورمیانه و شمال آفریقا است و جغرافیای سیاسی منطقه را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. هدف اصلی مقاله، تبیین کدهای ژئوپلیتیکی در عرصه شکل‌گیری جغرافیای سیاسی نو پدید خاورمیانه و توجه به نقش آفرینان و بازیگران اصلی این صحنه است.

نتیجه نهایی مبنی آن است که ضمن تغییر شیوه‌ها و ابزارهای اعمال قدرت در عرصه‌های ژئوپلیتیکی نوین، کشورهای ترکیه و ایران به‌عنوان دو مدل حکومتی، رقابت بسیار سختی در شکل دادن جغرافیای سیاسی جدید خاورمیانه خواهند داشت. در واقع، ویژگی‌های ژئوپلیتیک و پایه‌های قدرت و نقش و اهداف و استراتژی‌های سیاسی - امنیتی و اقتصادی ایران و ترکیه به گونه‌ای است که به اصلی‌ترین بازیگران منطقه خاورمیانه تبدیل شده‌اند. روش تحقیق مقاله بر پایه مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک خاورمیانه و شمال آفریقا، ژئوپلیتیک رسانه، قدرت نرم، فضای مجازی، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، ایالات متحده آمریکا.

* ایمیل نویسنده مسئول:

amir_gh@yahoo.com

خیزش مردمی که در اوایل سال ۲۰۱۱ از تونس آغاز شد، منطقه شرق میانه و شمال آفریقا (هارتلند جهان اسلام) را درنوردیده و ساختارهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه را در هم ریخته است. تحولات اخیر خاورمیانه به جهت تأثیر و تأثر بر سمت و سوی نظم منطقه‌ای و جهانی، از اهمیت بسیار قابل توجهی برخوردار می‌باشد، تا جایی که می‌توان گفت در آینده نزدیک، عبارت «نظم منطقه‌ای قبل از تحولات خاورمیانه» و «نظم منطقه‌ای پس از تحولات خاورمیانه» در جغرافیای سیاسی ساری و جاری خواهد شد. به بیان دیگر، تحولات اخیر، تحولات نظم‌ساز و قاعده‌سازی است که حیات مادی و ساحت معنایی منطقه و جهان را متأثر خواهد ساخت.

تحولات خاورمیانه و خیزش جریان اسلام‌گرایی در منطقه یک چالش معنایی را موجب شده و این واقعیت را اگر با آسیب‌دیدگی نظم سیاسی منطقه‌ای و جهانی و قدرت‌های بزرگ نوظهور در کنار هم قرار دهیم، این چالش معنایی بیشتر آشکار و مبرهن می‌شود. صاحب‌نظران سیاسی مطرح آمریکا چون جوزف نای معتقدند که مهم‌ترین دغدغه آمریکا در جهان جدید، نه وجود یک دشمن خاص، که فرسایش بنیادهای نهادینه شده نظم سنتی است که آمریکا آن را بنیانگذاری کرده است. به هر حال، باید دانست که نظم سنتی منطقه‌ای و جهانی امروزه با چالش‌هایی مواجه شده و این چالش‌ها طبیعتاً فرصت‌ها و آسیب‌هایی را در بطن خود دارد. لذا با نگاهی آینده‌پژوهانه می‌توان گفت، چالش اصلی برون آمده از دل تحولات خاورمیانه چالشی تئوریک است که از یک طرف نشان‌دهنده ناتوانی آمریکا در برقراری تعادل و توازن بین منافع و ارزش‌های خود در خاورمیانه است و از طرف دیگر بنیادهای نهادینه شده نظم لیبرالی سنتی را بسیار لرزان و متزلزل خواهد کرد.

لذا در مقطع کنونی که نظم مادی و معنایی منطقه با آسیب جدی مواجه گردیده است، فرصت‌های بسیار مناسبی نیز برای پر کردن حفره‌های استراتژیک به وجود آمده است و بر همین اساس الگوها و مدل‌های موجود برای جایگزینی با ساختارهای پوسیده به رقابت با یکدیگر پرداخته‌اند. کشور ایران با مدل و گفتمان انقلاب اسلامی در کنار الگوی لیبرالی ایالات متحده، الگوی مورد نظر عربستان و الگوی ترکیه وارد میدان شده و هر یک سعی دارند از شرایط کنونی برای ازدیاد قدرت مولد (قدرت گفتمان‌سازی) استفاده نمایند.

بنابراین، در صورت انجام تحقیق می‌توان بر این نکته پای فشرده که چشم‌انداز کنونی حاکی از آن است که این انقلاب‌ها سرآغاز تحولات و لرزش‌های ژئوپلیتیکی

گسترده‌ای در فضای خاورمیانه و شمال آفریقا است و جغرافیای سیاسی نوینی را برای منطقه رقم خواهد زد و چنانچه جمهوری اسلامی نتواند در معرفی الگوی مورد نظر و بسط اقتدار هژمونیک در منطقه به توفیقی دست یابد، در آینده دچار چالش‌هایی به مراتب بیشتر خواهد شد. «یکی از نتایج مطلوب این تحولات می‌تواند تضعیف شدید و انحلال عمق استراتژیک رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان مرکز ثقل حضور و توجه قدرت‌های غربی در منطقه باشد که لرزش‌های ژئوپلیتیکی آن نیز در عرصه‌های جهانی و در چشم‌انداز تحولات حوزه‌های عربی - اسلامی به گونه‌ای است که ضمن معکوس نمودن نتایج طرح‌های استراتژیک غرب در منطقه سبب امیدواری در تحقق خاورمیانه جدید بر محور مبانی اسلامی شود.» (رشنو، ۱۳۹۰)

چارچوب نظری این مقاله مبتنی بر تحول معنایی در مفهوم قدرت است. در این چارچوب، «قدرت نرم» (Soft Power) جایگزین «قدرت سخت» (Hard Power) شده است و به تبع آن، شیوه‌ها و ابزارهای اعمال قدرت نیز تغییر یافته‌اند. در این رهیافت و تبیین، رویکرد مقاله در ابتناء به نظرات «جوزف نای» (Joseph Nye) می‌باشد. روش تحقیق حاضر بر پایه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای محدود و جغرافیایی پژوهش نیز خاورمیانه می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: عناصر و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مهم در شکل دادن به جغرافیای سیاسی نوپدید خاورمیانه کدام است؟

۲- ژئوپلیتیک کلاسیک خاورمیانه

از جمله مناطق حیاتی و مؤثر در معادلات ژئوپلیتیک جهانی، منطقه خاورمیانه است. خاورمیانه را مرکز دنیای قدیم می‌دانند، مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس به منزله هارتلند جهانی قرار دارد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸۴) واژه خاورمیانه در یکی از محدودترین تعریف‌ها، به منطقه نفوذ انگلیس در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم؛ یعنی به فلسطین و ماورای اردن و عراق اطلاق می‌شود. اما در حال حاضر خاورمیانه شامل: کشورهای ایران، ترکیه، اردن، مصر، قبرس، شبه جزیره عربستان، عراق، فلسطین، سوریه و لبنان و سودان است. (شیرودی، ۱۳۹۰)

نقشه شماره ۱: منطقه خاورمیانه



واژه خاورمیانه نخستین بار در سال ۱۹۰۲ توسط دریادار آمریکایی «آلفرد تایر ماهان» (Alfred Thayer Mahan) برای توصیف منطقه بین خاور دور و نزدیک^۱ به کار رفت. تأسیس اسرائیل غاصب در خاورمیانه و نیز آغاز و تداوم جنگ‌های متعدد رژیم صهیونیستی و اعراب، همچنین افزایش اهمیت جهانی نفت، باعث کاربرد گسترده‌تر این واژه شد. (علی بابائی، ۱۳۷۹: ۱۲)

سه ویژگی مهم در ساختار سیاسی خاورمیانه عبارت است از: ۱- مسأله فلسطین؛ ۲- اختلاف‌های مرزی زمینی و دریایی گسترده؛ ۳- ساختار سیاسی غیردموکراتیک. غالب حکومت‌ها در منطقه متعلق به «آل‌ها» یا رژیم‌های کودتایی بوده و ساخت قدرت در این کشورها به شدت الیگارشیک و دیکتاتورمآبانه است. (عبدی، ۱۳۹۰)

بخش وسیعی از خاورمیانه از اقلیم گرم و خشک و بارندگی ناکافی برخوردار است و همین موضوع موجب ایجاد مشکلات فراوانی در بخش‌های کشاورزی و تولیدات صنعتی و وابستگی هر چه بیشتر این کشورها گردیده است. (بیومونت و دیگران: ۱۲۶-۶۴) از

۱. نزدیکی و دوری خاور یا شرق، به آمریکا و اروپا سنجیده می‌شود. خاور دور، شامل هندوستان و قلمرو انگلیس در ماورای آن و خاور نزدیک دربرگیرنده قلمرو امپراتوری عثمانی می‌باشد.

طرفی، چهل درصد جمعیت خاورمیانه را جوانان تشکیل می‌دهند که عموماً نیروی غیرفعال بوده و تا مرحله فعال شدن، سرمایه و امکانات زیادی را می‌طلبند. رشد سریع جمعیت شهری نیز منجر به فشار اقتصادی و صرف هزینه‌های فراوان در امور بهداشت عمومی، سوادآموزی و ... شده است. (همان: ۲۹۲ - ۲۹۰)

بخشی از اهمیت خاورمیانه را می‌توان در نظریه‌های استراتژیکی آلفرد تایلر ماهان و «سرهالفورد مکیندر» (Sir Helford Mackinder) مشاهده کرد. منطقه خاورمیانه از قدیم‌الایام به دلیل وجود تنگه‌های استراتژیک موجود در آن، دارای نقش نظامی و اقتصادی بسیار حیاتی بوده، به طوری که ایرانیان برای حمله به یونان و نیز اسکندر به منظور تهاجم به آسیا از تنگه‌های بسفر و داردانل سود برده‌اند. در حال حاضر نیز تنگه‌های جبل الطارق، باب‌المندب، داردانل، بسفر، کانال سوئز و هرمز، در حمل آسان بار و مسافر، صرفه‌جویی در سوخت، کوتاه کردن بُعد مسافت، عبور آسان نیروی نظامی، تأمین سوخت و انرژی جهان و ... از اهمیت فراوان برخوردارند. به عنوان مثال، عبور از کانال سوئز، باعث صرفه‌جویی چهل الی پنجاه درصد از سوخت کشتی‌ها و هجده روز از مسافت عبور از دماغه امیدنیک^۱ در آفریقای جنوبی می‌شود. (دولت‌یار، ۱۳۷۹: ۳)

همچنین، بحران‌های داخلی و تهدیدات خارجی موجب گرایش کشورهای منطقه به سمت خریدهای تسلیحاتی گزاف گردیده و به همین علت، بودجه نظامی خاورمیانه طی سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، همواره در حال افزایش بوده است؛ بنابراین، اختصاص منابع ارزی به خرید تسلیحات و ارتقای توان نظامی، موجب عقب‌ماندگی اقتصادی، وابستگی نظامی و در نهایت، سبب نارضایتی مردم می‌گردد. (شیرودی، ۱۳۹۰)

۳- ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه

نظام نوین ژئوپلیتیک جهانی در برگیرنده عناصری است که معرفی آن‌ها کلید درک مفاهیم مورد نظر است. قدرت، اصلی‌ترین عنصر این ساختار را تشکیل می‌دهد. (حیدری، ۱۳۸۵: ۱۲۱) قدرت و رقابت‌های قدرتی برای ایجاد برتری نسبت به رقیبان، پیوسته هسته مرکزی مباحث و کارکرد ژئوپلیتیک پویا بوده است. برتری خواهی، سلطه جویی و یا ایجاد کنترل بر امور منطقه، بخشی از جهان یا بر کل جهان در اصطلاح، هژمونی (Hegemony) گفته می‌شود که هدف اصلی در بازی‌های ژئوپلیتیک است. (مجتهدزده، ۱۳۸۱: ۱۳۷)

۱. دماغه امیدنیک در جنوبی‌ترین نقطه قاره آفریقا، در اقیانوس اطلس جنوبی و در نزدیکی کیپ تاون از شهرهای آفریقای جنوبی قرار دارد.

۲. در سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ سه کشور عربستان، کویت، عراق، در میان ۱۵ کشور جهان که بالاترین هزینه نظامی را داشته‌اند، قرار گرفته‌اند و طی این سال‌ها، خلیج فارس بزرگ‌ترین کانون متقاضی سلاح در جهان بود.

در مطالعه ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه - علاوه بر ویژگی‌های ژئوپلیتیک سنتی - توجه به کدهای جدید در تحلیل هر چه صحیح‌تر تحولات لازم و ضروری است. به عبارت دیگر، بدون توجه به این شاخص‌ها ترسیم وضعیت موجود و تحلیل روندها امکان‌پذیر نخواهد بود. از این‌رو در ادامه، تحولات صورت گرفته در ژئوپلیتیک خاورمیانه در دو مقوله «تحول در مفاهیم و ابزارهای قدرت» و «تحول در بازیگران منطقه‌ای» مورد دقت قرار گرفته است.



جدول شماره ۲: جدول مقایسه‌ای روند تکاملی مفهوم قدرت در گفتمان ژئوپلیتیک

(قدسی، ب-۱۳۸۹: ۱۹۱)

دوره	گفتمان	اندیشمندان	پارادایم / مکتب	رویکرد
ژئوپلیتیک سنتی / مدرن (اوایل قرن بیستم تا پایان جنگ جهانی دوم)	امپراته قدرت دریایی امپراته قدرت خشکی امپراته قدرت هوایی تضای حیاتی	آلترد لایر مامان سر هانورد مکینر نیکرلاس دومسوسکی فردریک راتزل	مکتب جبرگرایی صیقل هبات‌گرایی (پوزیتیویسم) سم	حیثیت‌گرایی جغرافیایی تمرکز بر قاره سیاسی جهان تمرکز بر جنبه‌های سلطنت‌خواهی قدرت
ژئوپلیتیک جنگ سرد (دوران افول) (پایان جنگ جهانی دوم تا فروپاشی نظام دو قطبی)	حاشیه گرایی (دوگانه) سد قاره کموتیم (کفایت‌تند) موازنه ثواب	نیکرلاس لسایکسن جورج کتان	ژئوپلیتیک ایدئولوژی ژئوپلیتیک امنیت مطابق ژئولستریژیک لستراتژی تسلطانی	حیثیت‌گرایی جغرافیایی تمرکز بر قاره سیاسی جهان تمرکز بر جنبه‌های سلطنت‌خواهی قدرت
ژئوپلیتیک دوره اول	امپراته تضاد و سرمایه‌داری جهانی شدن تضاد	والرشتاین نوبت وانگ سیر امین کیسینجر	ژئوپلیتیک نظم نوین جغرافی ژئوپلیتیک فرآیند ژئو اکونومی ژئولستراتژی	حیثیت‌گرایی جغرافیایی تمرکز بر قاره سیاسی جهان تمرکز بر جنبه‌های نیمه سلطنت قدرت
ژئوپلیتیک نوین (تجدید حیات)	فرهنگ رسانه و افکار حسوس امپراته اندیشه قدرت نرم دیپلماسی حسوس مسائل زیست صیقل	ساموئل حائیکنگتون ایولاکت آلن تایلر ژان گولمن جوزف نای	ژئوپلیتیک فضایی ژئوکالچر ژئوپلیتیک سنتی ضد ژئوپلیتیک ژئوپلیتیک رسانه و تضای مجازی	تعین‌گرایی جغرافیایی تمرکز بر قاره تعین مباحث قدرت در عصر قاره سیاسی جهان تمرکز بر جنبه‌های نرم اقتزایی قدرت

۴- تحول در بازیگران منطقه‌ای

در جغرافیای سیاسی نوپدید خاورمیانه، توجه به ریشه‌های مناقشات از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در یک طبقه‌بندی، ریشه تحولات این منطقه را می‌توان حول سه محور اساسی مورد دقت قرار داد:

حضور نامشروع رژیم صهیونیستی در قلب جهان اسلام از نیم قرن اخیر؛
وقوع انقلاب اسلامی در ایران؛

حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ (و اقدامات نظامی امریکا در برخی کشورهای خاورمیانه به این بهانه).

از این رو، می‌توان بازیگران عمده تحولات خاورمیانه را ایالات متحده امریکا، رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران فرض نمود. در این میان اما، کشورهای دیگری چون ترکیه- به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی- و قطر، علاقه‌مند به نقش آفرینی و تبدیل شدن به بازیگر مؤثر منطقه‌ای هستند. ترکیه در صحنه‌ها و عرصه‌های تصمیم‌سازی در پی اثبات توانمندی خود برای ایفای این نقش است، از جمله موضوع هسته‌های ایران و تبدیل شدن به الگویی برای خیزش‌های مردمی کشورهای شمال آفریقا و عربی منطقه.

نگاه غالب در جهان غرب و جهان عرب این است که ایران و ترکیه برنده جنگ‌های امریکا در منطقه خاورمیانه بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هستند. در واقع، ویژگی‌های ژئوپلیتیک و پایه‌های قدرت و نقش و اهداف و استراتژی‌های سیاسی- امنیتی و اقتصادی ایران و ترکیه به گونه‌ای است که به اصلی‌ترین بازیگران منطقه خاورمیانه تبدیل شده‌اند. ایران و ترکیه حداقل در چهار حوزه ژئوپلیتیکی زیر با یکدیگر اشتراک نظر دارند:

- ۱- پذیرش جایگاه و نقش حزب‌الله و حماس در منطقه؛
 - ۲- تأمین امنیت منطقه بدون حضور نیروهای آمریکایی و بارویکرد منطقه‌ای؛
- (Barzegar, 2010: 77)

۳- گسترش روابط دو جانبه اقتصادی برپایه امنیت انرژی و اتصال منابع انرژی خلیج فارس به اروپا؛

۴- حل بحران هسته‌ای ایران از راه دیپلماسی و تأکید بر استفاده همگانی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و خلع سلاح عمومی هسته‌ای در منطقه. (Chuck Freilich, 2010: 55)
در تمامی این چهار مورد، کشور ترکیه با اسرائیل و ایالات متحده که خواستار تحدید حضور ایران در ترتیبات امنیتی منطقه و برخورد قهرآمیز با این کشور می‌باشند مخالف است. البته در این میان اختلاف‌نظرهایی نیز وجود دارد، به‌طور مثال، ایران خواهان سیاست "اتحاد و ائتلاف" با کشورها و گروه‌های سیاسی منطقه از جمله سوریه،

حزب‌الله و حماس و گروه‌های شیعی در عراق است. اما ترکیه خواهان ایفای نقش "میانجیگری" و حفظ بی‌طرفی در ایفای نقش خود است. به رغم این تفاوت‌ها، ایران و ترکیه به‌طور نانوشته در نوعی ائتلاف منطقه‌ای وارد شده و در این چارچوب می‌توانند حلاء‌های ایدئولوژیک و استراتژیک موجود در منطقه را با ایفای نقش خود پر کنند. چنین وضعیتی مطمئناً خوشایند اسرائیل نخواهد بود که اساساً خواهان سازش حداقلی با گرفتن بیشترین امتیاز و دادن کمترین امتیاز، در صلح اعراب و اسرائیل و به حداقل رساندن نقش قدرت‌های رقیب در روند صلح است.

۴-۱. جایگاه ژئوپلیتیکی ترکیه در خاورمیانه

به علت مخالفت دائم اتحادیه اروپا با پیوستن ترکیه به این اتحادیه، دولت جدید اسلام‌گرای ترکیه با اغتمام از فرصت پیش آمده در تحولات انقلابی منطقه، بر شدت اقدامات خود افزوده است. ترکیه از قبل در صدد افزایش نقش و موقعیت سیاسی و اقتصادی خود در مناطقی چون خلیج فارس، آسیای جنوبی، خاور نزدیک، فلسطین، لبنان، سوریه و آسیای مرکزی و قفقاز بوده است؛ (Benli, 2008) چرا که این مناطق برای اتحادیه اروپا به دلایل ژئواکونومیکی و جغرافیای انرژی حائز اهمیت فراوانند. ترکیه با درک این نیاز حیاتی اروپا در صدد است با اجرای این سیاست، اتحادیه اروپا، خود به همکاری بیشتر با ترکیه در ابعاد مختلف، به‌ویژه بخش امنیت انرژی گرایش پیدا کند و شرایط برای پذیرفتن این کشور در اتحادیه اروپا مهیا شود. ترکیه معتقد است، اتحادیه اروپا بدون ترکیه یک بازیگر قدیمی و منفعل باقی خواهد ماند و ترکیه تنها نقطه اتصال اروپا به شرق است. به عبارت دیگر، بدون ترکیه، اتحادیه اروپا منطقه‌ای محصور است ولی با وجود ترکیه انرژی شرق از طریق خلیج فارس و ایران به اروپا منتقل می‌شود و نقش اتحادیه اروپا در معادلات جهانی افزایش پیدا می‌کند. (برزگر، ۱۳۸۸) سیاست خارجی ترکیه در دوره جدید بر دو اصل استوار است:

الف- حضور فعال منطقه‌ای با اتخاذ "قدرت نرم" در سیاست خارجی. در این رابطه حل و فصل مشکلات با همسایگان، حل و فصل اختلافات فرهنگی با بعضی از گروه‌های قومی منطقه (از جمله با کردها) و ایفای نقش میانجی در حل و فصل مسائل منطقه‌ای، از جمله اقدامات ترکیه محسوب می‌گردد. در تحولات اخیر خاورمیانه، ترکیه به شدت در پی اثبات توانمندی خود و نقش‌آفرینی مؤثر است. نمونه مشهود آن، دیپلماسی فعال این کشور در قبال کشور سوریه است. کشور سوریه نیز دچار دگرگونی‌های سیاسی قابل توجهی شده و به دلیل برخورداری از ساختارهای سیاسی غیر دموکرات با اعتراضات

مردمی مواجه شده است.^۱ همین قضیه موقعیت مناسبی را برای ترکیه فراهم ساخت تا این کشور، هم به جهت پیوستگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با کشور سوریه (از جمله وجود منطقه ژئوپلیتیکی مشترک کردنشین) و هم به مثابه یک قدرت منطقه‌ای، به ایفای نقش فعال پردازد. وزیر خارجه ترکیه در دیدار با بشار اسد از او خواسته تا به خواسته‌های معترضان تن داده و ضمن خودداری از برخورد خشونت‌آمیز، اصلاحات سیاسی را آغاز کند. (سایت تابناک، ۹۰/۵/۲۲)

از دیگر اقدامات ترکیه در بسط قدرت نرم خود می‌توان به حضور اردوغان و همسرش در میان قحطی‌زدگان سودان و ارسال کمک‌های فراوان بشر دوستانه به این کشور اشاره داشت.

ب- معرفی ترکیه به‌عنوان الگویی از یک کشور اسلامی و دموکرات. این اصل در سیاست خارجی ترکیه در دو بعد الگو بودن به‌عنوان یک کشور دموکرات که ترکیه همواره مدعی بوده یک نمونه موفق در جهان اسلام است (Wendy, 2010) و نیز الگو بودن به‌عنوان یک کشور مسلمان در جهان اسلام قابل تبیین است.^۲ (Benli, 2008). «در خیزش‌های مردمی اخیر در کشورهای خاورمیانه، شاهد حضور بسیار پر رنگ دیپلماسی و «قدرت نرم» ترکیه هستیم. به‌عنوان مثال، حزب راشد الغنوشی که در ابتدای این خیزش‌ها در تونس بیان نموده بود که انقلاب ما با تاسی از انقلاب امام خمینی است، در یک تغییر رویکرد گفت، الگوی ما حزب توسعه ترکیه است.» (خزایی، ۱۳۹۰: ۱۵)

به نظر می‌رسد، افزایش نقش‌آفرینی ترکیه و تبدیل شدن به یک مدل سیاسی در منطقه در راستای احیای «امپراتوری نوعثمانی» یا «پسا اسلام‌گرایی» و همین‌طور توجه به «اسلام میانه‌رو» قابل تحلیل باشد و ایالات متحده نیز به شدت از الگو شدن این کشور برای کشورهای اسلامی استقبال می‌کند و تلاش دارد تا ترکیه را ویرترین اسلام متعادل میانه‌رو در منطقه معرفی نماید. از این‌رو، بی‌جهت نیست که در برخی از این کشورها و حتی در نوار غزه پرچم ترکیه به اهتزاز درمی‌آید.

۲-۴. جایگاه ژئوپلیتیک ایران در ساخت قدرت و سیاست خاورمیانه

افزایش نقش ایران بیش از هر چیز به دو مؤلفه قدرت ملی شامل: ۱- هویت ژئوپلیتیک؛ ۲- عنصر شیعی، بر می‌گردد. در مورد هویت ژئوپلیتیک، ایران نقطه اتصال مناطق آسیای

۱. گرچه به دلیل حضور کشور سوریه در خط مقدم جبهه نبرد با رژیم صهیونیستی، دامن زدن به اعتراضات مردمی و اعمال فشار بر رژیم بشار اسد از سوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی دور از واقعیت نیست، اما باید اذعان داشت که ساختار این رژیم نیز در بسیاری از موارد مشابه کشورهای در حال انقلاب است.

۲. سیاست‌های انتقادی اخیر ترکیه در مورد رژیم اسرائیل یک رویکرد جدید در سیاست خارجی دولت اسلام‌گرا در ترکیه است. در این خصوص می‌توان به ترک نشست داووس توسط اردوغان نخست‌وزیر ترکیه در ژانویه ۲۰۰۲ اشاره کرد.

مرکزی و قفقاز جنوبی، خلیج فارس و جهان عرب است و در خصوص هویت شیعه، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رقیب اصلی ترکیه، نقش‌آفرینی خود را با تأکید بر مدل انقلاب اسلامی پی‌گیری نموده و این مدل لاجرم ریشه در تفکر شیعی دارد.^۱ بر این اساس، می‌توان شاهد آرایش جدید ژئوپلیتیک بر اساس تقابل مدل پسا اسلام‌گرای ترکیه و مدل اسلام بنیادگرای ایران و شکل‌گیری جغرافیای سیاسی نوین منطقه بود. شروع این نقش‌آفرینی را می‌توان همزمان با سقوط حکومت بعث عراق در بهار سال ۱۳۸۲ و ایجاد تغییرات بنیادین در ساختارهای کشور عراق و نقش مسلطی که شیعیان در ساختار سیاسی آن حاصل کردند دانست، چرا که پس از چند دهه حاکمیت اقلیت سنی، شیعیان فرصت مطالبه حقوق و جایگاه خود را در عرصه سیاسی پیدا کردند.

افزایش نقش عنصر شیعی در ساخت قدرت و سیاست منجر به افزایش نقش و نفوذ ایران در مسائل سیاسی - امنیتی منطقه، از جمله حضور فعال و سرنوشت‌ساز در مسائل عراق، لبنان و به‌طور کلی خاور نزدیک گردید. در اینجا هویت شیعی توانسته به‌عنوان یک مؤلفه قدرت ملی ایران، علاوه بر بهره‌گیری در اهداف کوتاه مدت (در روابط با گروه‌های سیاسی همگرا) و بلند مدت (تقویت و تثبیت نقش منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مسایل سیاسی - امنیتی منطقه و در روابط با قدرت‌های بزرگ) مؤثر واقع گردد. (برزگر، ۱۳۸۸)

بر اساس یک فرضیه، قدرت گرفتن شیعیان در حاکمیت عراق، ساخت، توازن مذهبی و مؤلفه قدرت در منطقه را بر هم می‌زند و قدرت‌های بزرگ منطقه و جهان، به‌ویژه امریکا و اسرائیل، از این وضعیت ناخشنودند، از این‌رو با تحریک اقوام کُرد و اعراب سنی، اقدامات تخریبی تروریستی، هشدار به شیعیان و تهدید به تجزیه عراق، ضمن ایجاد نظام توازن قوا در عراق، تلاش دارند تحولات سیاسی این کشور را در آینده، به نفع خود جهت‌دهی کنند. (بلداجی، ۱۳۹۰: ۴)

ایالات متحده نیز ضمن طرح تهدیدهای ایران‌هراسی، از جمله اعلام هشدار در شکل‌گیری «هلال شیعه» در خاورمیانه، کشورهای منطقه را علیه ایران، سوریه، لبنان و حاکمیت شیعه عراق تحریک می‌کند تا نگرانی‌های استراتژیک رژیم صهیونیستی را بر طرف سازد. (خلیلی، ۱۳۸۳: ۳۳۴) از نظر سران کاخ سفید و اسرائیل، وجود کشور مسلمان و نیرومندی چون ایران، میان دو منبع انرژی (خزر و خلیج فارس) که ۶۸ درصد منابع انرژی جهان را به خود اختصاص داده است، برای استراتژی، منافع و امنیت ملی غرب در قرن بیست و یکم خطرناک است. (همان: ۲۵۲) از همین‌رو، ریچارد نیکسون، معتقد است:

۱. گرچه نفوذ معنوی ایران به گروه‌ها و جریان‌های شیعه محدود نشده و این نفوذ در گروه‌های جهادی فلسطین و غیر شیعه نیز قابل مشاهده است، اما چنانچه جمهوری اسلامی بخواهد صرفاً بر این ویژگی تأکید نماید، دایره نفوذ خویش را هر چه محدودتر نموده و در عوض فرصت‌های بیشتری را برای رقیب خود ترکیه فراهم ساخته است.

«جهان اسلام در قرن بیست و یکم، مهم‌ترین میدان‌های زورآزمایی سیاست آمریکا است.» (همان) آمریکا و اسرائیل، با برجسته‌سازی مفهوم «هلال شیعه»، انحراف اذهان تصمیم‌گیران عرب را از مسئله اصلی، یعنی «اسرائیل» پی می‌گیرند و نگرانی آن‌ها را نسبت به حاکمیت ایدئولوژی شیعه تحت رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه تحریک می‌کنند. اکنون کنترل کشوری چون عراق که دو سوم جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، مشکل‌تر شده است، چرا که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند، با اعمال نفوذ طبیعی در میان شیعیان عراق، تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه را هدایت کرده و موازنه قدرت را به نفع شیعیان و علیه منافع آمریکا و اسرائیل تغییر دهد. براساس همین تحلیل، رئیس سازمان سیا، خطاب به کنگره این کشور ابراز کرد: ایران می‌تواند با تأثیرگذاری بر شیعیان عراق، در تحولات ژئوپلیتیک منطقه، مؤثرتر عمل کند، پس، جمهوری اسلامی ایران به یک فاکتور ژئوپلیتیک در توازن منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است و می‌تواند، با بهره‌گیری از قدرت فراملی شیعیان، در کشورهای عربی منطقه، لبنان، هند و پاکستان نفوذ کند. (برزگر، سایت تابناک)

جدول شماره ۲: جمعیت شیعیان در کشورهای (برنابلاچی)

کشور	درصد جمعیت شیعه	درصد جمعیت اهل تسنن
جمهوری ایران	۷۸٫۹	۲۱+
عراق	۶۵-۶۶	۳۷-۳۳
لبنان	۷۲٫۸	۲۷٫۲
سوریه	۷۱٫۶	۲۷٫۴
امارات متحده عربی	۱۵٪	۸۱
عربستان سعودی	۱۱-۱۲	۸۹-۹۰
افغانستان	۲۱٫۵	۷۸٫۲
بحرین	۷۷٫۰	۲۳٫۰
آذربایجان	۶۶٫۷	۳۳٫۰
یمن	۷۳٫۰	۲۷٫۰
کویت	۶۶٫۵	۳۳٫۰
پاکستان	۲۳٫۰	۷۷٫۰
اردن	۲۲	۷۹+
عمان	۲۱	۷۹-۷۸
مصر	۲۱	۷۹+
ترکیه	۲۱	۷۹-۷۸

نتیجه گیری

مفهوم ژئوپولیتیک از آغاز تا کنون تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته که حداقل می توان کاربرد آن را در دوره های اوج استعمار، وقوع جنگ سرد، نظم نوین جهانی و نهضت زیست محیطی مورد مطالعه قرار داد. این مفهوم تأثیر جدی بر کیفیت حکومت ها داشته است و در واقع قدرت حکومت ها، متأثر از جایگاه ژئوپولیتیکی آن ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. اگر تا قبل از ورود به دوره جدید تحولات، تحلیل های ژئوپولیتیکی مبتنی بر جنبه های عینی و عمدتاً سخت افزاری منابع قدرت بود، امروزه در درک یک درگیری یا رقابت ژئوپولیتیکی تنها ترسیم منافع و ادعاهای طرفین کافی نیست، بلکه باید تلاش نمود تا ریشه های پیچیده، علت ها و اندیشه های نقش آفرینان اصلی را درک کرد، زیرا هر یک از این عوامل، ترجمان روحیه و تأثیرگذار بر آن بخش از افکار عمومی است که این افراد نماینده آن هست. از این رو در عرصه های جدید و تحولات نوظهور ژئوپولیتیکی در خاورمیانه، شاهد اثرات این تغییر رویکرد به مفهوم قدرت هستیم.

در مطالعه ژئوپولیتیک نوین خاورمیانه - علاوه بر ویژگی های ژئوپولیتیک سنتی - توجه به گداهای جدید در تحلیل هر چه صحیح تر تحولات لازم و ضروری است. به عبارت دیگر، بدون توجه به این شاخص ها امکان ترسیم وضعیت موجود و تحلیل روندها امکان پذیر نخواهد بود. از این رو در تحولات صورت گرفته در ژئوپولیتیک خاورمیانه شاهد جایگزینی «دیپلماسی عمومی» به جای «دیپلماسی رسمی»، جایگزینی «شبکه های اجتماعی مجازی» به جای «رسانه های رسمی» و جایگزینی «مدیریت ادراک و ذهن» به جای «مدیریت فیزیک و جسم» هستیم.

این تحول در عرصه بازیگران قدرت نیز حاصل شده است. ایالات متحده امریکا به دنبال ناکامی خود در کنترل و هدایت بحران های منطقه ای در افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین با روش سخت افزاری دچار نوعی از سرخوردگی جهانی شده و از سوی دیگر، تغییر و تحولات صورت گرفته در استراتژی های سیاست خارجی ترکیه با روی کار آمدن دولت اسلام گرا، شرایط را برای نزدیک تر کردن روابط ایران و ترکیه فراهم کرده است. تقویت روابط، افزایش و تکمیل نقش فعال ایران و ترکیه در مسائل منطقه ای، علاوه بر ایجاد یک بلوک قدرتمند در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی توانسته بر معادلات و استراتژی های سیاسی - امنیتی و توازن قوای منطقه ای به ضرر جریان غالب غربی به رهبری امریکا و متشکل از اعراب محافظه کار و به خصوص اسرائیل تأثیرگذار باشد.

ایران و ترکیه دو بازیگر قدرتمند منطقه خاورمیانه هستند که اهداف و منافع ملی آن ها تا قبل از وقوع خیزش ها و انقلاب های مردمی در کشورهای شمال آفریقا و عربی در تضاد

یا تقابل جدی با یکدیگر قرار نداشت، اما به نظر می‌رسد با شکل‌گیری خلاء استراتژیک ناشی از فروپاشی یکباره حاکمیت‌های تحت حمایت غرب، نوعی رقابت نانوشته و اعلام نشده میان دو کشور برای تحمیل الگوها و مدل‌های حکومتی و جایگزینی با ساختارهای پوسیده و منهدم شده آغاز شده است. مدل گفتمان انقلاب اسلامی و مبتنی بر هویت شیعی از یک سو و مدل پسا اسلام‌گرای ترکیه و مبتنی بر سیستم لائیک از دیگر سو، سعی در بهره‌گیری از فرصت‌های موجود و تغییر آرایش ژئوپلیتیک منطقه به نفع خود دارند. از این رو لازم و ضروری می‌نماید همانگونه که ترکیه با تغییر در استراتژی‌های سیاست خارجی و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در منطقه و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود سعی در افزایش نقش منطقه‌ای و جهانی دارد، ایران نیز باید با حضور فعال در مسائل منطقه‌ای و با اتخاذ راهبردها و تاکتیک‌های مناسب در جهت منافع و امنیت ملی کشور، از فرصت پدید آمده موجود در منطقه نهایت بهره را ببرد. تأکید بر این نکته ضروری است که اگر چه مجموعه تحولات در کوتاه مدت به سود ایران بوده، اما در دراز مدت لزوماً این‌گونه نخواهد بود و میزان موفقیت، به میزان تلاش برای کسب موقعیت‌های ممتاز وابسته است.



منابع

- آلاسداير داریسدل و جرالده اچ. بلیک (۱۳۷۰)، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، *مجله مطالعات اوراسیای مرکزی (دانشگاه تهران)*، سال دوم، شماره ۵.
- بهرامی، محمد (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی، ابزاری برای امریکا در راستای ایجاد تغییر در جهان اسلام»، www.Payam-aftab.com
- برنا بلداجی، سیروس (۱۳۹۰)، «*هلال شیعی و ژئوپلیتیک خاورمیانه*»، <http://www.hawzah.net>
- بیومونت، پیترو و دیگران (بی تا)، *خاورمیانه*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، محمود رمضان زاده و علی آخشینی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹)، «مفهوم شناسی گفتمان نرم و محیط راهبردی متأثر از آن»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره بیست و هشتم، تهران.
- زارع، محمد (۱۳۹۰)، «*تحولات خاورمیانه و ایجاد چالش معنایی در نظم بین‌المللی*» <http://www.mellatonline.ir>
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۶)، *تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس*، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه، تهران.
- خزایی، سعید (۱۳۹۰)، «خیزش‌های مردمی کشورهای خاورمیانه از منظر علم آینده پژوهی»، *گاهنامه نمای راهبردی*، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، سال نهم، شماره ششم، تهران.
- خلیلی، اسدالله (۱۳۸۳)، *روابط ایران و آمریکا، بررسی دیدگاه نخبگان آمریکایی*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- رشنو، نبی الله (۱۳۹۰)، «استراتژی بی نظمی امریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا»،
www.n-rashnoo.tk

- زارع، محمد (۱۳۹۰)، «تحولات خاورمیانه و ایجاد چالش معنایی در نظم بین‌المللی»،
www.mellatonline.ir

- سیدی، سیدحمید (۱۳۹۰)، «ژئوپلیتیک اطلاعات»، سایت جنگ نرم.
http://www.jangnarm.com

- عبدی، علی (۱۳۹۰)، «فروپاشی حوزه نفوذ امریکا»، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان.

- علی بابائی، غلامرضا (۱۳۷۹)، **فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاورمیانه**، ج ۱.

- قدسی، امیر (۱۳۸۹) الف، «جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم ج.ا.ا»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، شماره ۳۰، تهران.

- قدسی، امیر (۱۳۸۹) ب، «تکامل مفهومی قدرت در نظام ژئوپلیتیک جهانی»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، شماره ۳۱، تهران.

- لاکست، ایوو ژیلین، بیتریس (۱۳۷۸)، **عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک**، مترجم علی فراستی، تهران، نشر آمن.

- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «جنگ نرم، انقلاب‌های رنگی و دیپلماسی عمومی»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، شماره بیست و هشتم، تهران.

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، **سیاست جغرافیایی و جغرافیای سیاسی**، تهران، انتشارات سمت.

- نای، جوزف (۱۳۸۷)، **قدرت در عصر اطلاعات، از واقع‌گرایی تا جهانی شدن**، ترجمه میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- 20-Barzegar , Kayhan (2010), "The Balance of Power in the Persian Gulf: An Iranian View," **Middle East Policy**, Vol. XVII, No. 3.

- 21-Benli , Altunisik (2008), "The Possibilities and Limits of Turkey's Soft Power in the Middle East," **Insight Turkey**, Volume 10.

- 23-Loannis N ,Grigoriadis (2010) , «Matching Ambitions with Realities: Turkish Foreign Policy in the Middle East," ELIAMEP - Middle Eastern Studies Programme.

available at: <http://www.eliamep.gr/en/wp-content/uploads/2010/12>

- 24-Wendy , Kristianasen (2010), “ Turkey’s South Power Successes ,” **lemon diplomatic**.

۱۶۹

دو فصلنامه مطالعات
سیدای اسلامی

تحوالات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها
امیر قدسی





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی